

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

کتاب اهل سنت

۹

پیامبر بت پرست!!

۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

۱۴ جماد الاول ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن

در جلسه گذشته نظر علمای اهل سنت پیرامون افسانه غرانیق را نقل و نقد نمودیم، آنان این افسانه را امری ممکن و بر وقوع آن شهادت می دهند و بر این باورند که شیطان می تواند در وحی الهی تصرف نموده و سخنی غیر از وحی بر زبان مبارک پیامبر ﷺ جاری نماید. این ماجرا به طور مفصل، در کتب معتبر اهل سنت نقل شده است^(۱).

تحریف قرآن، افترای بر شیعیان

اهل سنت در راستای تنزیه و تبرئه خلفا و صحابه تهمت های فراوانی به شیعیان می زنند. از جمله افتراءات آنان این است که شیعیان قایل به تحریف قرآن مجید هستند. در برابر این تهمت از آنان می پرسیم لازمه افسانه غرانیق که شما آن را پذیرفته اید و اینکه شیطان می تواند در سخن پیامبر ﷺ تصرف نماید،

۱- برای آگاهی بیشتر به جزوه شماره ۸۶ رجوع نمایید.

تحریف قرآن مجید است. چه تضمینی وجود دارد که این تصرّف و القاءات شیطانی در موارد دیگری از جمله قرآن مجید یافت نشود و آیا براساس این باور کلی می‌توان قائل به عدم تحریف قرآن شد؟

آیا به راستی شیعیان قائل به تحریف قرآن مجید هستند، یا اهل سنت با روایاتی که نقل کرده‌اند، تحریف قرآن را به طور غیر مستقیم در اذهان القاء می‌کنند؟ تعریف و تمجید پیامبر ﷺ از بت‌ها خلاف آیات قرآن مجید می‌باشد سوره‌هایی مانند توحید، کافرون و ... دیگر سوره‌های کوتاه و سایر آیات که همگی اصل مسلمی به نام توحید را ثابت می‌کنند. حال چگونه ممکن است پیامبری که تمام عمر خود را صرف برافراشته کردن علم توحید می‌کند، در ماجرای که ناقل آن اهل سنت‌اند، از بت‌های مشرکین تعریف و تمجید نمایند؟ اصل توحید اصل مسلمی است که بنیان تمام ادیان آسمانی بر آن استوار می‌باشد، تمام تلاش پیامبران ﷺ بر این بوده است که ذات باری تعالی را برتر و والاتر دانسته و مردم را به یکتاپرستی دعوت نمایند. بنابر مبنای اهل سنت که شیطان می‌تواند در این اصل مسلم - توحید - تصرّف نماید، می‌توان ادعا نمود که تصرّف شیطان در موارد دیگر به طریق اولی امکان دارد، یعنی اگر شیطان می‌تواند در بیان مسایل توحیدی در گفتار پیامبر ﷺ تصرّف نماید، در اصول دیگر اسلام نیز می‌تواند به راحتی القاءات خود را بر زبان پیامبر ﷺ جاری سازد.

پیامبر خاتم ﷺ و تهمت بت پرستی

روایات فراوانی شبیه به روایاتی که در چند جلسه اخیر مطرح گردید، در کتب

معتبر اهل سنت یافت می‌شود. بنابر اساس بعضی از این روایات پیامبر ﷺ پیش از آنکه به پیامبری مبعوث شوند، بت پرست بوده‌اند! چنین تهمت‌ها و افتراءهایی در کتب معتبر اهل سنت نقل شده است. از علمای اهل سنت می‌پرسیم، با نقل این گونه روایات چه تضمینی برای پاکی، پاکیزگی و تنزه پیامبر ﷺ باقی می‌ماند؟

اکنون به نقل یکی از این روایات می‌پردازیم. در مسند ابي یعلیٰ که یکی از مسانید معروف اهل سنت می‌باشد، آمده است:

«عن زید بن حارثه قال: خرجت مع رسول الله ﷺ يوماً حاراً من أيام مكة - وهو مردفي - إلى نصب من الأنصاب وقد ذبحنا له شاة، فأنضجناها قال: فلقیه زید بن عمرو بن نفیل فحیا کل واحد منهما صاحبه بتحیة الجاهلیة فقال النبی ﷺ: یا زید! مالی أری قومك قد شنفوا لك؟ قال: والله یا محمد ﷺ [إن ذلك لبغير نائلة لي منهم ولكنني خرجت أبتغي هذا الدين حتى أقدم على أحبار فذك، فوجدتهم يعبدون الله ويشركون به. قال: قلت: ما هذا بالدين الذي أبتغي. فخرجت حتى أقدم على أحبار الشام فوجدتهم يعبدون الله ويشركون به. قلت: ما هذا بالدين الذي أبتغي. فقال شيخ منهم: إنك لتسأل عن دين مانعاً أحداً يعبد الله به إلا شيخ بالحيرة. قال: فخرجت حتى أقدم عليه فلما رأني قال: ممن أنت؟ قلت: من أهل بيت الله، من أهل الشوك والغرب. فقال: إن الدين الذي تطلب قد ظهر ببلادك قد بعث نبي قد طلع نجمه

وجميع من رأيتهم في ضلال فلم أحس بشيء بعد يا
 محمد ﷺ! قال: وقرب إليه السفرة. قال: فقال: ما هذا
 يا محمد ﷺ؟ فقال: شاة ذبحناها ل نصب من الأنصاب. قال:
 فقال: ما كنت لأكل مما لم يذكر اسم الله عليه؛

زید بن حارثه می‌گوید: روز گرمی از روزهای مکه همراه
 رسول الله ﷺ از خانه خارج شدیم. ایشان سوار بر اسب
 شده و هم ردیف من حرکت می‌کردند، تا اینکه به بتی از
 بت‌ها رسیدیم و برای آن گوسفندی را قربانی کردیم پس آن را
 کباب کردیم. در این هنگام زید بن عمرو بن نفیل نزد ما آمد
 پس پیامبر ﷺ و زید بن عمرو به یکدیگر طبق رسم
 جاهلیت تحیت و درود فرستادند. پیامبر ﷺ فرمودند: ای
 زید چگونه است که قوم تو با تو دشمنی کرده و تو را ناسزا
 می‌گویند؟ زید بن عمرو گفت: ای محمد ﷺ! سوگند به
 خداوند که این دشمنی‌ها بدون دلیل می‌باشد. ولی روزگاری
 از خانه خود خارج شده و به دنبال دین حقیقی و استواری
 رفتم؛ تا اینکه به علمای یهود که در سرزمین فدک ساکن بودند
 رسیدم و دیدم که آنها خداوند را می‌پرستیدند و در عین حال
 به او شرک می‌ورزیدند. پیش خود گفتم: آن دینی که به دنبال
 آن هستم این دین نمی‌باشد. به راه خود ادامه دادم تا اینکه به
 علمای یهود که در شام ساکن بودند، رسیدم. آنها نیز خداوند

را می‌پرستیدند ولی در عین حال به او شرک می‌ورزیدند، باز پیش خود گفتم: آن دینی که به دنبال آن هستم این دین نمی‌باشد. پس پیرمردی از آنان گفت: تو در جست و جوی دینی هستی که هیچ کس به جز پیرمردی که در حیره ساکن است خدای را به آن دین نمی‌پرستد. به راه خود ادامه دادم تا بر آن پیرمرد وارد شدم، پس زمانی که من را دید گفت: تو ساکن کجایی؟ در جواب گفتم: من از اطراف خانه خدا می‌آیم و از اهالی خارزار و جنگ می‌باشم. او به من گفت: همانا دینی که تو به دنبال آن هستی در سرزمین تو ظهور کرده است، پیامبری در آنجا مبعوث شده و ستاره او طلوع نموده است، همچنین تمام کسانی که تو با آنان ملاقات نمودی در گمراهی به سر می‌برند. ای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! دیگر به عقاید دیگران یقین ندارم، سپس ادامه داد: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفره‌ای را نزد او پهن نمودند پس زید بن عمرو پرسید: ای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! این چه غذایی است؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: گوسفندی است که برای بتی از بتها قربانی نموده‌ایم. زید بن عمرو گفت: من از گوسفندی که به نام خدای یکتا قربانی نشده، نمی‌خورم.

«قال زید بن حارثة: فأتى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ البيت. قال: وتفرقتنا فطاف به وأنا معه وبالصفى والمروة. قال: وكان عند الصفا والمروة صنمان من نحاس، أحدهما يقال له يساف والآخر يقال له نائلة، وكان

المشركون إذا طافوا تمسحوا بهما. فقال النبي ﷺ: لا تمسحهما فإنهما رجس. فقلت في نفسي: لأمسنتهما حتى أنظر ما يقول النبي ﷺ، فمسستهما، فقال: يا زيد ألم تنهه؟ قال: ومات زيد بن عمرو وأُنزل على النبي ﷺ [ﷺ] فقال النبي ﷺ لزيد: إنّه يبعث أمة وحده»^(۱).

زيد بن حارثه می‌گوید: پس پیامبر ﷺ به خانه مشرف شدند ولی زید بن عمرو از ما جدا شد، پس پیامبر ﷺ مشغول طواف خانه خدا و سعی بین صفا و مروه شدند. در صفا و مروه دو بت مسی بود که نام یکی یساف و نام دیگری نائله بود. رسم مشرکین چنین بود که هنگام طواف این دو بت را به عنوان تبرک، مسح می‌کردند. پیامبر ﷺ فرمودند: این دو بت را هرگز مسح نکن زیرا این دو پلید می‌باشند ولی من با خود گفتم: علیرغم نهی پیامبر ﷺ آن دو را مسح می‌کنم تا عکس العمل پیامبر ﷺ را مشاهده کنم. زمانی که آن دو را مسح نمودم پیامبر ﷺ فرمودند: ای زید آیا تو را از این عمل نهی نکرده بودم؟ راوی می‌گوید زید بن عمرو از دنیا رفت و از طرفی پیامبر ﷺ به نبوت برگزیده شدند و در این زمان پیامبر ﷺ فرمودند: همانا زید بن عمرو روز قیامت به صورت امت جداگانه‌ای برانگیخته می‌شود.

۱- از منابع اهل سنت: مسند أبي يعلى، جلد ۱۳ صفحه ۱۷۱، مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۴۱۸ و سنن الكبرى، جلد ۵ صفحه ۵۴.

البته مانند همین روایت در دیگر کتب معتبر اهل سنت از جمله مسند احمد حنبل^(۱)، مستدرک الحاکم^(۲)، معجم الکبیر^(۳) و صحیح ابن حبان^(۴). یافت می‌شود.

ذهبی؛ یکی از نقادین علم رجال اهل سنت که در علم حدیث‌شناسی نیز خیره می‌باشد، این روایت را صحیح دانسته است^(۵).

پیش از نقد و بررسی این روایت به نکته‌ای مهم اشاره می‌کنیم و آن اینکه ناقل این روایت زید بن حارثه می‌باشد. در مورد او در جلسات گذشته، سخن گفته‌ایم. او همان کسی است که پیامبر ﷺ دختر عمه خود زینب را به ازدواج او در می‌آورد ولی به دلیل مشکلاتی، زندگی آنان به هم خورده و کار به طلاق و جدایی می‌کشد. در اینجا بود که پیامبر ﷺ طبق مصالحی دختر عمه خود را به همسری اختیار می‌کنند. مردم زید را فرزند خوانده پیامبر ﷺ می‌دانستند^(۶). جاعلان این گونه روایات، او را به عنوان راوی معرفی می‌کنند، تا بگویند او که سالها در خانه پیامبر ﷺ زندگی کرده و اخلاق، رفتار و مهمتر از آن به عقیده پیامبر ﷺ آگاهی کافی دارد، چنین مطالبی را نقل نموده پس حتماً این امور اتفاق افتاده است.

۱- جلد ۲ صفحات: ۶۸ و ۸۹ و ۱۲۷.

۲- جلد ۳ صفحه ۲۱۶.

۳- جلد ۵ صفحه ۸۶.

۴- جلد ۱۲ صفحه ۴۷.

۵- مسند ابي يعلى، جلد ۱۳ صفحه ۱۷۲.

۶- برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۷۹ مراجعه نمایید.

بررسی و نقد روایت

۱- اگر با دقت و تأمل و بدون هیچ تعصبی به روایت اهل سنت نظر بیفکنیم و لوازم روایت آنان را تجزیه و تحلیل نماییم، با قاطعیت و یقین به جعلی بودن این روایت پی خواهیم برد. ساحت مقدس رسول الله ﷺ اجلّ از این گونه سخنان می باشد. پس از خواندن این دست از روایات سؤالاتی به ذهن انسان خطور می کند که اهل سنت برای آنها پاسخی نمی دهند. آیا واقعاً خاتم پیامبران ﷺ قبل از بعثت، بت پرست بوده اند؟ به پای بت ها جهت تبرک، گوسفند قربانی می نمودند؟ آیا از گوشت چنین قربانی میل می کردند؟ اگر انسان با تعمق و تدبّر به این پرسش ها بپردازد، بدون هیچ درنگی می گوید اصلاً چنین امری ممکن نمی باشد، زیرا پیامبر اکرم ﷺ از نوادگان حضرت ابراهیم علیه السلام بت شکن و شجره ای می باشند که هرگز بت پرست نبوده اند و هرگز به پای آنان گوسفند قربانی نکرده اند.

پرسش دیگر اینکه آیا رسول الله ﷺ آنقدر به احکام و مسائل جاهل می باشند (العیاذ بالله) که افرادی مانند زید بن عمرو، احکام را به ایشان علیهم السلام یادآوری کند؟ آیا می توان پذیرفت که افرادی مانند زید در علم و عمل بر پیامبر خاتم علیهم السلام برتری داشته باشند؟ اهل سنت با نقل این دست روایات چه هدفی را دنبال می کنند و این چه چهره ای است که از پیامبر خاتم علیهم السلام به جهانیان ارائه می دهند؟ ظاهراً مهم ترین هدف آنان این است که چهره پیامبر خاتم علیهم السلام را مخدوش نمایند. اهل سنت هیچ راه گریزی ندارند و نمی توانند ادعا کنند که این

روایات را نمی‌پذیریم، زیرا این روایات در کتب معتبری مانند صحاح و مسانید آنان ذکر شده است.

۲- با دقت نظر در صدر و ذیل روایت به تناقض آشکاری پی می‌بریم. همین تناقض، جعلی بودن این روایت را بیشتر نمایان می‌کند. ادعای اهل سنت چنین است که زید بن عمرو به دنبال دین جدید بود تا اینکه با پیرمردی آشنا شد و آن پیرمرد به او گفت: دینی که به دنبال آن هستی در سرزمین خودت ظاهر می‌شود و پیامبر آن دین مبعوث شده و ستاره او طلوع نموده است. از طرفی دیگر می‌گویند زید بن عمرو خود را نزد آن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رساند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به خوردن گوشت گوسفندی که در پای بت‌ها قربانی شده بود دعوت نمودند. آیا پیامبری که باید داعیه در توحید باشد، امکان دارد که در پای بت‌ها، گوسفندی را قربانی نمایند؟! آیا این دو مطلب قابل جمع هستند؟

در جای دیگر، همین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، زید بن حارثه را نصیحت می‌کنند که ماهیت بت‌ها پلید است پس هرگز آنها را لمس نکن. حال سؤال این است که اگر واقعاً ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به رجس بودن بت‌ها اعتراف می‌کنند چرا در پای بت‌ها گوسفند قربانی می‌کنند؟ آیا واقعاً قدرت فهم و درک اهل سنت، آن قدر اندک است که نمی‌توانند مفهوم و لازمه این روایت را درک کنند؟ درخواست ما از علمای اهل سنت این است که از سخن و پاسخ روی گردان نباشند، شاید با سخنان خود بتوانند ما را قانع کنند؟!

نکته لازم به تذکر طرح این سؤال است که در پشت پرده این جعلیات چه اغراضی نهفته است؟ مسلماً تنها دلیل آنان بر جعل این احادیث، تخریب سابقه

درخشان پیش از بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. همان پیامبری صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که بیست و سه سال پرچمدار توحید بودند و از طرفی چهل سال با نهایت قداست و پاکیزگی زندگی نمودند، طوری که همه ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به امانت و درستکاری ستایش می‌کردند. ولی طبق چهره‌ای که اهل سنت از ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ترسیم نموده‌اند، چنین به نظر می‌رسد که ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خرافات معتقد و بت پرست بوده‌اند تا جایی که به عنوان تبرک در برابر بت‌ها گوسفند قربانی می‌کنند و مهم‌تر اینکه ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فردی بی سواد و بی‌خبر از احکام بوده‌اند (العیاذ بالله)!

تنها هدف آنان چنان چه ذکر گردید تخریب سابقه درخشان زندگی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد تا بدین وسیله بتوانند خلفای غاصب و ستمگر را تطهیر نمایند؛ وگرنه چه دلیلی دارد که شخصی مانند زید بن عمرو، با حسن سابقه ذکر شود ولی والدین، جد و عموی بزرگوار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با بدترین سخنان، مورد هجوم قرار گیرند؟

این تنها دلیلی است که در تمام روایات ساختگی گذشته، مانند جعل در شأن نزول آیه حجاب، ماجرای اسرای بدر و نماز میّت بر منافقین به چشم می‌خورد. تلاش فراوان قریشیان این بود که نه تنها فضائل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نادیده گرفته شود بلکه در فضیلت خلفا روایت سازی شده و آنان را هم سطح با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار دهند و تا جایی پیش رفتند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را متهم به سوء اخلاق، لاابالی‌گری و بی‌خردی نمودند!!

تأخیر نماز رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ!

جنگ خندق یکی از جنگ‌هایی بود که در نهایت، پیروزی نصیب مسلمانان

گردید. البته طبق روایات معتبر از شیعه و اهل سنت قدرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود که مسلمانان را پیروز نمود. در سوره احزاب آیات فراوانی در مورد این جنگ بیان شده است، در یکی از این آیات خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا﴾^(۱).

خدا احزاب کافر را با دلی مملو از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند در این میدان مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت، (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است.

در روایات معتبری که اهل سنت نیز ناقل آن می‌باشند، آمده است که ابن مسعود آیه فوق را چنین تلاوت می‌کرد:

أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذَا الْحَرْفَ ﴿وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ بَعْلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ^(۲).

او این آیه را چنین قرائت می‌کرد: خداوند مؤمنین را از جنگ بی نیاز ساخت یعنی به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام بی نیاز نمود.

در این جنگ بود که فضیلت دیگری برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ثبت

۱- سوره احزاب آیه ۲۵.

۲- بحار الأنوار جلد ۳۶ صفحه ۲۶، از منابع اهل سنت: الدر المنثور جلد ۵ صفحه ۱۹۲ و تفسیر آلوسی جلد ۲۱ صفحه ۱۷۵.

رسید. اهل سنت در مورد جنگ خندق روایاتی مبنی بر تأخیر رسول الله ﷺ در خواندن نماز نقل می‌کنند. پیش از نقد این روایات، به بعضی از این روایات اشاره‌ای می‌نماییم.

«أنَّ عمر بن الخطاب جاء يوم الخندق بعد ما غربت الشمس، فجعل يسب كفار قريش، قال: يا رسول الله ﷺ! ما كدت أصلي العصر حتى كادت الشمس تغرب. قال النبي ﷺ والله ما صليتها فقمنا إلى بطحان فتوضأ للصلاة وتوضأنا لها فصلَّى العصر بعد ما غربت الشمس ثم صلي بعدها المغرب»^(۱).

عمر بن خطاب در روز جنگ خندق پس از غروب خورشید، آمد در حالی که دائماً به کفار قریش دشنام می‌داد و گفت ای رسول خدا ﷺ! من نماز عصر را نخواندم تا اینکه نزدیک بود خورشید غروب کند رسول خدا ﷺ نیز فرمودند: به خدا سوگند من نیز نماز عصر را نخوانده‌ام. پس با یکدیگر به پاخواستند و به بطحان رفتیم. رسول الله ﷺ و ما برای نماز وضو گرفتیم. ایشان ﷺ نماز عصر را بعد از غروب آفتاب خواندند و بعد از آن، نماز مغرب را به جا آوردند.

در روایتی دیگر اهل سنت نقل می‌کنند:

«قال رسول الله ﷺ يوم الأحزاب وهو قاعد على فريضة من فرض الخندق: شغلونا عن الصلاة الوسطى حتى غربت الشمس

۱ - از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۱۴۷ و صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۱۳.

ملاً الله قبورهم وبيوتهم أو قال قبورهم وبيوتهم ناراً»^(۱).

رسول خدا ﷺ در روز جنگ احزاب در حالی که کنار خندق نشسته بودند، فرمودند: با کار زیاد ما را از نماز عصر بازداشتند تا اینکه خورشید غروب کرد. خداوند متعال قبور و خانه‌هایشان را پر از آتش کند یا فرمودند: قبور و شکم‌هایشان را.

راوی این روایت آن قدر متدین و مواظب بود که چون در مورد جملهٔ اخیر

پیامبر ﷺ شک کرد، هر دو احتمال را نقل نمود تا جمله‌ای از کلام ایشان ﷺ کاسته نشود!

علمای اهل سنت در مورد توجیه روایات فوق می‌گویند:

«إِذَا حَلَفَ النَّبِيُّ ﷺ تَطْيِيبًا لِقَلْبِ عَمْرِ فَإِنَّهُ شَقَّ عَلَيْهِ تَأْخِيرَ الْعَصْرِ إِلَى قَرِيبٍ مِنَ الْمَغْرَبِ فَأَخْبِرَهُ النَّبِيُّ ﷺ أَنَّهُ لَمْ يَصَلِّهَا بَعْدَ لِيَكُونَ لِعَمْرِ بِهِ أُسْوَةٌ وَلَا يَشَقَّ عَلَيْهِ مَا جَرَى وَتَطْيِيبَ نَفْسِهِ»^(۲).

همانا رسول خدا ﷺ سوگند یاد نمود تا قلب عمر را آرام کند زیرا بر عمر سخت بود که نماز خود را تا نزدیک غروب به تأخیر انداخته است. پس پیامبر ﷺ به او خبر داد که من تا به حال نماز را نخوانده‌ام تا اینکه بگویند حال من بدتر از توست

۱- از منابع اهل سنت: صحیح مسلم جلد ۲ صفحه ۱۱۲ و صحیح بخاری جلد ۵ صفحه ۴۸.
۲- از منابع اهل سنت: شرح مسلم (نوی) جلد ۵ صفحه ۱۳۱ و عمدة القاری جلد ۵ صفحه ۹۱.

(اگر تو نماز را با تأخیر خوانده‌ای من که هرگز نخوانده‌ام) و پیامبر ﷺ الگوی عمر در تأخیر نماز باشند و عمر خیلی بر خود سخت نگیرد.

از این سخن شگفت‌انگیزتر، سخن ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری است. او می‌گوید: احتمالاً تأخیر نماز رسول خدا ﷺ تا زمان مغرب عمدی بوده است و در ادامه می‌نویسد:

«وقد اختلف في سبب تأخير النبي ﷺ الصلاة ذلك اليوم، فقيل: كان ذلك نسياناً واستبعد أن يقع ذلك من الجميع»^(۱).

در مورد اینکه پیامبر ﷺ در روز احزاب به چه دلیلی نماز خود را به تأخیر انداختند، اختلاف شده است. پس گفته شده: این تأخیر به دلیل فراموشی بوده است اما بعید است همه اطرافیان پیامبر ﷺ [دچار فراموشی شده باشند].

نقد و بررسی این روایات

با مراجعه به سیره پیامبر ﷺ، جعلی بودن این روایات بسیار روشن است. جعلی بودن این روایات زمانی آشکارتر می‌شود که با مراجعه به کتب تاریخی و روایی اهل سنت متوجه می‌شویم، اصلاً عمر بن خطاب در روز جنگ خندق در میدان نبرد حضور نداشت و در باغی اطراف مدینه مخفی شده بود.

«أنه كان مختبئاً في بستان من المدينة بعيداً عن المعركة»^(۲).

۱- فتح الباری جلد ۲ صفحه ۵۶.

۲- الف سوال و اشکال، جلد ۲ صفحه ۲۸۲، از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۶

همانا عمر در باغی اطراف مدینه مخفی شده بود و از صحنه جنگ به دور بود.

علمای اهل سنت سند این روایت را صحیح و بدون اشکال دانسته‌اند^(۱). حال کسی که اصلاً در این جنگ حضور نداشته چگونه است که به خاطر اشتغال زیاد در جنگ، از خواندن نماز باز می‌ماند؟ محل جنگ خندق جایی است که مساجد سبعة موجود می‌باشد. بالای این مساجد تپه‌ای قرار دارد که به عنوان مقر فرماندهی بوده است. فاصله این مساجد تا مدینه حدود شش یا هفت فرسخ می‌باشد. سؤال این است که خلیفه دوم چگونه این راه را پیموده تا به صحنه معرکه رسیده است؟ علاوه بر اینکه اصلاً جنگی روی نداد که افراد را به خود مشغول کند، بلکه شخصی به نام عمرو بن عبدود به هر صورت که بود از خندق عبور کرد و هم‌اوردی طلبید، ولی هیچ پاسخی نشنید. آن قدر رجز خواند که خود او صدا زد: آیا هیچ شجاعی در میان شما نیست؟ از بس فریاد کشیدم گلوی من خشک شد. در این هنگام امیرالمؤمنین علی علیه السلام ندای او را پاسخ داده و به رویارویی با او شتافتند. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

« لقد برز الإيمان كله إلى الشرك كله »^(۲).

به تحقیق که همه ایمان در مقابل همه کفر قرار گرفته است.

→ صفحه ۱۳۶، سیر اعلام النبلاء، جلد ۱ صفحه ۲۸۴، تاریخ طبری، جلد ۲ صفحه ۲۴۱ و

مسند احمد، جلد ۶ صفحه ۱۴۲. (نقل به مضمون)

۱- از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد جلد ۶ صفحه ۱۳۸.

۲- بحار الأنوار جلد ۲۰ صفحه ۲۱۵، و از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه (ابن ابی

الحدید) جلد ۱۳ صفحه ۲۶۱ و ینابیع المودة جلد ۱ صفحه ۲۸۱.

وقتی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام توانستند سر او را جدا کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان علیهم السلام فرمودند:

«ضربة علیّ يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين»^(۱).

ضربه شمشیر علی علیه السلام در روز جنگ خندق، از عبادت انس و جن از آغاز آفرینش تا به حال، برتری دارد. آنچه که به نظر می‌رسد این است که اهل سنت با جعل این‌گونه احادیث می‌خواستند خلیفه دوم نیز از این فضائل بهره‌ای داشته باشد.

واقعاً هدف اهل سنت از نقل و نشر این اکاذیب چیست؟ اگر غرضی در پس این ماجرا نهفته نیست چرا وقایع تاریخی، مهم و معتبر، در برخی کتب معتبر اهل سنت نقل نشده است؟ چرا بخاری در کتاب خود، فضایی از امیرالمؤمنین علیه السلام را که فریقین نقل کرده‌اند، ننوشته است، اما قضیه‌ای که جعلی بودن آن از واضحات است را نقل می‌کند؟! با این گونه سخنان آیا می‌توان صحیح بخاری را تالی قرآن نامید؟! طبق آنچه که ملاحظه نمودید، در صحیح بخاری و مسلم آمده بود که عمر به خاطر اشتغال فراوان به جنگ، نماز خود را نسیاناً ترک نمود و به این دلیل ناراحت بوده و خود را سرزنش می‌کرد. ولی درست برعکس این روایت، روایت دیگری در مورد عمر نقل شده است:

«... قال کنا عند عمر، فأتاه رجل فقال: يا أمير المؤمنين! ربّما إنّما

نمکت الشهر والشهرين ولانجد الماء، فقال عمر: أمّا أنا فإذا لم

۱ - مناقب آل أبي طالب جلد ۲ صفحه ۳۲۶؛ از منابع اهل سنت: نهاية العقول في دراية الأصول (فخر رازی) صفحه ۱۱۴.

أجد الماء لم أكن لأصلي حتى أجد الماء. فقال عمّار بن ياسر: أتذكر يا أمير المؤمنين حيث كنت بمكان كذا وكذا ونحن نرعى الإبل فتعلم أننا أجنبنا؟ قال: نعم، أما أنا فترغمت في التراب فأتينا النبي ﷺ فضحك فقال: إن كان الصّعيد لكافيك وضرب بكفيه إلى الأرض ثم نفخ فيهما ثم مسح وجهه وبعض ذراعيه. فقال: إتق الله يا عمّار فقال: يا أمير المؤمنين! إن شئت لم أذكره. فقال: لا...»^(۱).

راوی می گوید: ما نزد عمر بودیم که مردی نزد او آمد و گفت:

ای امیرالمؤمنین! گاهی یک یا دو ماه می گذرد و ما آبی نمی یابیم، چه کنیم؟ عمر در جواب گفت: اگر من باشم تا زمانی که آب نجویم نماز نمی خوانم. عمّار یاسر که آنجا بود گفت: ای امیرمؤمنان! آیا به یاد داری که در فلان مکان با یکدیگر بودیم و مشغول چراندن شتران بودیم و به یاد داری که ما جنب شدیم؟ عمر گفت: بلی به یاد دارم و من آنجا بود [که لباس های خود را از تن در آورده] و در خاک غلطیدم. وقتی نزد رسول خدا ﷺ ماجرا را تعریف کردیم ایشان ﷺ خندیده و فرمودند: اگر خاک باشد برای تو کافی است. آنگاه پیامبر ﷺ دو دست خود را بر خاک زدند و سپس در دو دست دمیدند سپس صورت و مقداری از دست خود را مسح

۱- از منابع اهل سنت: سنن النسائی، جلد ۱ صفحه ۱۶۸، السنن الکبری، جلد ۱ صفحه ۱۳۳، مسند أبی یعلی، جلد ۳ صفحه ۱۸۱.

نمودند. عمر گفت ای عمار تقوا پیشه کن، عمار گفت: اگر دوست داری این ماجرا را ذکر نکنم عمر گفت نه....

عمر خلافت جامعه اسلامی را به عهده گرفته است و حدود ده سال همراه پیامبر ﷺ بوده است اما در مقام جواب می‌گوید نماز نخوانید؟ مگر نه اینکه طبق آیه قرآن وظیفه نماز گزار در چنین مواقعی تیمم است؟ پس خلیفه چه می‌گوید؟ آیا آیه قرآن^(۱) را بپذیریم یا سخن خلیفه را؟

به هرجهت جاعلین این‌گونه روایت، اهداف و اغراضی را دنبال می‌کردند و گرنه ممکن نیست پیامبری که احکام نماز را تبیین نموده و بر به پاداشتن آن تأکید نموده‌اند نماز را ترک کنند و دیگری به ایشان ﷺ یادآوری نماید.

خداوند متعال خواندن نماز شب را که مستحب است، بر پیامبر ﷺ واجب کرده و می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^(۲).

پاسی از شب را برخیز و قرآن و نماز بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، تا پرودگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در مورد فضایل نماز می‌فرمایند:

۱ - ﴿قَلَمٌ تَجِدُوا مَاءً فَتَتَبِعُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَاَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا﴾ (سوره نساء، آیه ۴۳)، (اگر آب برای [وضو یا غسل] نیافتید با خاک پاک تیمم کنید. صورت‌ها و دست‌ها را با آن مسح کنید. خداوند بخشنده و آمرزنده است).
۲ - سوره اسراء آیه ۷۹.

«الصلاة عمود الدین... فإن قبلت، قبل ماسواها وإن ردّت، ردّ ماسواها»^(۱).

نماز ستون دین است... که اگر پذیرفته شود، دیگر اعمال نیز پذیرفته می شود و اگر پذیرفته نشود، دیگر اعمال نیز پذیرفته نمی شود.

از این گونه تناقض ها در کتب روایی و تاریخی اهل سنت فراوان یافت می شود. مانند سخنی که در جلسات گذشته مطرح نمودیم^(۲) که عمر در جایی گفت: «وافقت ربّي في ثلاث» و در جایی دیگر گفت: «وافقت ربّي في ثلاث» و بالاخره روشن نشد که آیا خدا با عمر موافق بود، یا عمر با خدا موافقت نمود؟! مانند این قضایا که تعجب هر مسلمانی را برمی انگیزد، در صحیح بخاری فراوان یافت می شود که باید به ظلم علمای اهل سنت نسبت به مقام شامخ نبوت، امامت و ولایت اعتراف نمود. مانند اینکه بخاری می گوید: پیامبر ﷺ زیاد می خوابیدند و خواب سنگینی داشتند و به همین دلیل نماز صبح ایشان ﷺ قضا می شد تا اینکه در موردی عمر که صدای بلندی هم داشت با صدای بلند ایشان ﷺ را از خواب بیدار کردند.

«وكان رجلاً جليداً فكبر و رفع صوته بالتكبير فمازال يكبر ويرفع صوته بالتكبير حتى استيقظ لصوته النبي ﷺ»^(۳).

- ۱- وسائل الشیعه، جلد ۴ صفحه ۲۷، بحار الأنوار، جلد ۱۰ صفحه ۳۹۴ و از منابع اهل سنت: الموطأ، جلد ۱ صفحه ۱۷۳ و الجامع الصغير، جلد ۲ صفحه ۱۲۰.
- ۲- برای اطلاع بیشتر به جزوه های شماره ۸۶ و ۸۵ مراجعه نمایید.
- ۳- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۸۸، صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۴۱، عمدة القاری، جلد ۴ صفحه ۲۵.

عمر صدایی رسا و بلند داشت، او همچنان با صدای بلند تکبیر می‌گفت تا اینکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از صدای بلند عمر از خواب بیدار شدند.

این روایات چه چهره‌ای از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ترسیم می‌نماید؟ زمانی هم که به شرح‌های کتب صحاح اهل سنت مراجعه می‌کنیم تا شاید آنان جهت رفع اشکال این سخنان راه حلی ارائه داده باشد، می‌بینیم متأسفانه آنها سخنان بدتر و زشت‌تری را به پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت می‌دهند.

با توجه به این سخنان است که می‌گوئیم اگر سلمان رشدی به خاطر سخنانش که برگرفته از همین مطالب است مرتد است، آیا طبری مرتد نیست؟ آیا بخاری و مسلم مرتد نیستند؟ آیا افرادی که این جعلیات و افتراءات را در کتب خود نقل کرده و مهر صحت بر آن زده‌اند، مرتد نیستند؟!

« وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی

- ① چرا لازمه روایاتی که اهل سنت نقل می‌کنند، تحریف قرآن می‌باشد؟
- ② اهل سنت چه روایتی در مورد بت پرستی پیامبر ﷺ نقل می‌کنند؟
- ③ افترای اهل سنت در مورد بت پرستی پیامبر ﷺ را نقد کنید.
- ④ اهل سنت از جعل روایت در مورد شخصیت رسول الله ﷺ، چه هدفی را دنبال می‌کنند؟
- ⑤ ابن مسعود آیه ۲۵ سوره احزاب را چگونه قرائت می‌کند؟
- ⑥ عمر در مورد نماز پیامبر ﷺ و خودش در روز خندق چه نقل می‌کند؟
- ⑦ ابن حجر تأخیر نماز پیامبر ﷺ را چگونه توجیه می‌کند؟
- ⑧ عمر در جنگ خندق کجا بود؟
- ⑨ آیا عمر حکم تیمم را می‌دانست؟
- ⑩ افترای اهل سنت در مورد ترک نماز پیامبر ﷺ را نقد کنید.
- ⑪ شباهت منابع اهل سنت با کتاب سلمان رشدی در چه اموری است؟

ساحت مقدس رسول الله ﷺ اجمل از این گونه سخنان می باشد. پس از خواندن این دست از روایات سؤالاتی به ذهن انسان خطور می کند که اهل سنت برای آنها پاسخی نمی دهند. آیا واقعاً خاتم پیامبران ﷺ قبل از بعثت، بت پرست بوده اند؟ به پای بت ها جهت تبرک، گوسفند قربانی می نمودند؟ آیا از گوشت چنین قربانی میل می کردند؟ اگر انسان با تعمق و تدبیر به این پرسش ها بیاندیشد، بدون هیچ درنگی می گوید اصلاً چنین امری ممکن نمی باشد، زیرا پیامبر اکرم ﷺ از نوادگان حضرت ابراهیم عليه السلام بت شکن و شجره ای می باشند که هرگز بت پرست نبوده اند و هرگز به پای آنان گوسفند قربانی نکرده اند.

(صفحه ۱۰ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:

ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.

■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.

■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نما بر: ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۸۷

۲۵